



آسمان

آسمان در مقابل و بالای زمین قرار دارد و از آن با کلمه **سما** نیز یاد می شود.

فهرست مندرجات

- ۱ - معنای لغوی
- ۲ - استعمالات قرآنی
 - ۲.۱ - تناسب با زمین
 - ۲.۲ - توصیفات
 - ۲.۳ - عالم معنا
- ۳ - در تفاسیر قدما
 - ۳.۱ - جنس و رنگ
 - ۳.۲ - زمان آفرینش
- ۴ - در تفاسیر متأخر
 - ۴.۱ - المنار
 - ۴.۲ - المیزان
 - ۴.۳ - فخررازی
 - ۴.۴ - مآخذ دیگر
- ۵ - در ادبیات فارسی
- ۶ - احکام
 - ۶.۱ - طهارت
 - ۶.۲ - صلات
 - ۶.۲.۱ - احکام واجب
 - ۶.۲.۲ - احکام مستحب
 - ۶.۲ - اطعمه و اشربه
- ۷ - در عقیده زردشتیان
 - ۷.۱ - جنس
 - ۷.۲ - طبقات
- ۸ - در عقاید مانیان
- ۹ - فهرست مآخذ
- ۱۰ - پانویس
- ۱۱ - منبع

معنای لغوی

معادل واژه «آسمان» در عربی «سما» است به معنی «آنچه در بالا جای دارد، سقف یا سایبان». [۱] از ریشه شَمُو، شَمَى و یا سَمُو گرفته شده است [۲] و در لغت به معنای «فوق و بالای هر چیزی» [۳]، «رفعت و بلندی» [۴] و «چیزی بالای چیز دیگر و محیط بر آن» [۵] می‌باشد.

استعمالات قرآنی

در قرآن کریم آسمان گاه به صورت مفرد (سما) [۶] [۷] [۸] و گاه به صورت جمع (سموات) [۹] [۱۰] [۱۱] و گاه «هفت آسمان» (سبع سموات) [۱۲] [۱۳] [۱۴] آمده است.

← تناسب با زمین

و در بسیاری از موارد همراه با زمین (ارض) یاد شده است. در جاهایی از قرآن مجید آمده است که آفرینش آسمانها و زمین و آنچه میان آنهاست، در ۶ روز انجام گرفته است. [۱۵] [۱۶] [۱۷] [۱۸] [۱۹] در جای دیگر [۲۰] آمده است که خداوند هفت آسمان را (بی ذکر زمین) در ۲ روز آفرید. پروردگار آن را همچون بنایی بر پا داشت بی‌آنکه آن را ستونی باشد. [۲۱] [۲۲] گاه آسمان په‌سان سقفی محفوظ (سقفاً محفوظاً) به شمار آمده است [۲۳] [۲۴] که آن را شکافی نیست، [۲۵] اما در پایان جهان شکافته می‌گردد (انْشَقَّتْ، فیرجشت، فُیَحَّتْ، انْفَطَرَتْ) [۲۶] [۲۷] [۲۸] [۲۹] [۳۰] یا برکنده می‌شود (كُشِطَتْ). [۳۱]

← توصیفات

گاه از آسمان به «سبع سموات طباق» تعبیر شده [۳۲] [۳۳] و گاه از آفرینش برجهایی در آسمان سخن رفته [۳۴] [۳۵] [۳۶] و گفته شده که **خورشید و ماه** و **ستارگان** به سان چراغهای آسمان دنیا (سیراج، مصابیح) [۳۷] [۳۸] [۳۹] یا آرایشهای آن (زینه) [۴۰] هستند. در جایی [۴۱] آفرینش آسمانها از دود (دُخان) به شمار آمده است. در جای دیگر از قرآن کریم آمده است که آسمان و زمین نخست یکپارچه (رُتق) بودند و سپس خداوند آنها را از یکدیگر جدا ساخت. [۴۲]

← عالم معنا

در پاره‌ای از آیات قرآن، آسمان به معنای عالم معنا و **ملکوت** به کار رفته است: «خداوند کارهای جهان را از آسمان تدبیر می‌کند» [۴۳] و نیز: «درهای آسمان به روی کسانی که از روی گردن‌کنشی آیات خدا را **دروغ** بخوانند، باز نمی‌شود». [۴۴]

در تفاسیر قدما

پاره‌ای از مفسران در توضیح آیات مربوط به چگونگی آفرینش آسمانها مطالب کوتاه و بلندی آورده‌اند: آسمان همچون زمین یک‌پاره بود و سپس خداوند آن را ۷ بخش گردانید. [۴۵] در تفسیر این مطلب که آسمان از دود آفریده شده است، آورده‌اند که خداوند نخست نوری را آفرید و از آن جوهر سبزی را خلق کرد و آن جوهر از هیبت پروردگار آب گشت و خداوند باد را بیافرید و آن آب را بر پشت باد نگاه داشت و از آن، **عرش** عظیم را آفرید و بر آب نهاد. آنگاه از آب، **آتش** را پدید آورد تا آب بجوشید و از بخار آن آسمان را آفرید. [۴۶] [۴۷] [۴۸] [۴۹] [۵۰]

← جنس و رنگ

همچنین، برخی از مفسران برای هریک از آسمانها جنسی و رنگی و نامی قائل شده‌اند: **آسمان** نخست یعنی آسمان دنیا موحی دوردست (موجْ مکفوف)، آسمان دوم از **سنگ**، آسمان سوم از **آهن**، آسمان چهارم از **مس**، آسمان پنجم از **سیم** (فضّه) آسمان ششم از **زر** (طلا) و آسمان هفتم از **یاقوت** است. [۵۱] [۵۲] [۵۳] به روایتی دیگر، آسمان دوم به رنگ مس و نام آن **قدوم** (یا به روایتی **فیدوم**)، آسمان سوم سیاه به رنگ **شَبَقُ** و نام آن **ماعون**، آسمان چهارم سپید مانند سیم و نام آن از یون، آسمان پنجم به رنگ زر و نام آن **حیقوم**، آسمان ششم سرخ مانند یاقوت و نام آن **عرش** و آسمان هفتم سبز مانند **زمرد** و نام آن عالیه است. [۵۴] [۵۵] در روایت اخیر از آسمان اول سخنی نرفته است.

← زمان آفرینش

در پاره‌ای از تفاسیر به نقل از **پیامبر اسلام** (ص) **روایت** شده است که خداوند آسمان را در روزهای پنجشنبه و **آدینه** آفرید و روز **شنبه** را ویژه آفرینش فرشتگان گردانید. [۵۶] [۵۷] همچنین گفته شده که هر روزی از روزهای ششگانه آفرینش آسمان و زمین برابر با ۱۰۰۰ سال بوده است. [۵۸] [۵۹]

در تفاسیر متأخر

مفسران متأخر و معاصر، بسیاری از آنچه را که مفسران قدیم در **تفسیر** «آسمان» آورده‌اند و نمونه‌هایی از آن در اینجا یاد شد، مردود دانسته‌اند.

← المنار

رشیدرضا در تفسیر آیه ۵۲ از سوره ۷ (اعراف) می‌نویسد: روایاتی که در آن گفته شده، آسمان و زمین در روزهای **جمعه** و پنجشنبه و فرشتگان در روز شنبه آفریده شده‌اند از «اسرائیلیات» است و پذیرفته ما نیست. این زمان‌بندیها یا حرکت زمین به دور خود معنی پیدا می‌کند. پس چگونه می‌توان پیش از آفرینش زمین از روزهای هفته سخن گفت؟ به عقیده رشیدرضا مقصود از روزهای آفرینش، دورانها و مراحل مختلف **خلقت** است. همچنین وی می‌گوید: این سخن قرآن که آسمان از دود آفریده شده است، باید در پرتو دانشهای نوین به گونه‌ای دیگر فهمیده شود. چنین می‌نماید که مقصود از **دود** (دخان) همان «ماده سحابی» است که **منظومه شمسی** از آن آفریده شده است (فرضیه لاپلاس). [۶۰] [۶۱]

← المیزان

علامه طباطبایی نیز در تفسیر آیات ۹ تا ۱۲ سوره ۴۱ (فصلت) طرفدار همین نظر است که آیات مربوط به آفرینش آسمانها و زمین و روزهای خلقت را باید در پرتو دانشهای نوین فهمید. وی می‌گوید: شیوه مفسران گذشته مربوط می‌شد به تصویری که هیأت بطلمیوسی از جهان به دست می‌داد. ما امروز می‌دانیم که آن تصورات نادرست بوده است. [۶۲] طباطبایی معتقد است که از مجموع آیات مربوط به آفرینش آسمانها و موارد استعمال کلمه «سما» در قرآن ۴ مطلب در معنای آسمانهای هفتگانه به دست می‌آید: نخست اینکه «آسمان دنیا» که یکی از آسمانهای هفتگانه است عبارت است از همه جهان ثوابت و سیارات؛ دوم این‌که همه آسمانهای هفتگانه «مخلوقات جسمانی» هستند؛ سوم این‌که آسمانهای هفتگانه (به استثنای آسمان دنیا) عواملی هستند غیر از کرات آسمانی، و تفسیرهایی که بر پایه تطبیق آسمانهای هفتگانه که مخلوقات جسمانیند، دارای «ملکوت» هستند و به موازات هفت آسمان، هفت «ملکوت آسمان» وجود دارد. رابطه ملکوت آسمانها با آسمانها رابطه باطن با ظاهر است. فرود آمدن فرشتگان از آسمان و بالا رفتن آنها به آن. فرود آمدن چیزها و روزیها از آسمان و سخن از این‌که درهای آسمان به روی کافران باز نمی‌شود و مطالبی دیگر از این قبیل که در آیات و روایات آمده، همه مربوط است به ملکوت آسمانها، نه آسمانهای جسمانی. [۶۳] در این میان گفته دیگری برای تفسیر هفت آسمان هست و آن این‌که عدد هفت در این آیات برای بیان کثرت است و واقعاً «هفت» منظور نیست. دارندگان این نظر می‌گویند رومیان و یونانیان نیز عدد هفت را برای القای جمع نامعین به کار می‌برده‌اند. [۶۴]

← فخررازی

برخی دیگر از مفسران، چون امام فخررازی، منظور از هفت آسمان را هفت کره **قمر**، **عطارد**، **زهره**، **شمس**، **مریخ**، **مشتری**، و **زحل** دانسته‌اند. [۶۵]

← مآخذ دیگر

در برخی از مآخذ اسلامی آمده است که بهشت در آسمان جای دارد و روانهای مؤمنان پس از **مرگ** به آسمانها صعود می‌کند. [۶۶] در دیگر آثار دانشمندان اسلامی، آسمان، همان **فلک** یا کره بزرگی است که بر ۲ قطب ثابت که در شمال و جنوب جای دارد، از مشرق به مغرب حرکت می‌کند و همه ستارگان، بر این کوه، ثابت شده‌اند. اینان قائل به هشت فلک (و گاهی نه فلک) هستند که مانند لایه‌های پیاز برهم پیچیده‌اند. نزدیکترین فلکها به زمین فلک ماه است که خود کوچکترین افلاک است. فلک دوم از آن عطارد، فلک سوم از آن زهره، فلک چهارم از آن مشتری و فلک هفتم از آن زحل است. بر

فراز همه، فلکی برای ثوابت است و بر بالای همه این فلکها فلک‌الافلاک جای دارد. اینان آسمان را دارای شکل کروی و حرکت مستدیر دانسته‌اند. [۶۷]

در ادبیات فارسی

در ادبیات فارسی گردی و گردندگی آسمان موضوع تشبیهات و مجازات گوناگون شده است. از نظر گردی آن را به گنبد دوار و خیمه یا چادر کیود یا نیلگون مانند کرده‌اند.

احکام

احکام مربوط به آسمان در باب‌های طهارت، صلات و اطعمه و اشربه به مناسبت آمده است.

← طهارت

به قول مشهور فقهاء، افروختن چراغی که سوخت آن نجس است، فقط در زیر آسمان جایز است. [۶۸]

← صلات

در باب صلات از آسمان در مباحثی چون قبله، نماز شب، نماز عید، نماز آیات، نماز استغاثه، قنوت نماز، دعا کردن و نگاه کردن در نماز سخن گفته شده است.

← احکام واجب

برخی حوادث آسمانی مانند خورشید گرفتگی سبب وجوب نماز آیات است. کعبه از موضع خود تا آسمان قبله است. [۶۹]

← احکام مستحب

نظر کردن به آفاق آسمان پیش از نماز شب [۷۰] و نیز برای امام هنگام رفتن جهت نماز عید [۷۱]، مستحب است. اقامه نماز آیات [۷۲] و نماز استغاثه [۷۳] در زیر آسمان و به سمت آسمان مستحب است. به سمت آسمان بودن کف دست‌ها در قنوت، [۷۴] بلند کردن دست‌ها به طرف آسمان هنگام دعا [۷۵] [۷۶] مستحب است. نگاه نکردن به آسمان در حال نماز مستحب است. [۷۷]

← اطعمه و اشربه

آروغ زدن به سمت آسمان کراهت دارد. [۷۸]

در عقیده زردشتیان

در عقاید ایرانیان قدیم آسمان مانند زمین، مقدس به شمار می‌آمده و در حکم ایزدی بوده و روز بیست و هفتم هر ماه بدو اختصاص داشته است. در اسطوره آفرینش زردشتی آسمان، نخستین مخلوق گیتی (یعنی آفریده مرئی و محسوس) اورمزد است. [۷۹] [۸۰] در کتاب روایات پهلوی [۸۱] آمده است که اورمزد آفریدگان خویش را از «روشنی بی‌پایان» آفرید و آنها را در تن خویش به مدت ۳۰۰۰ سال نگاهداری کرد و در تن خویش رشد داد و سرانجام آنها را متجلی ساخت؛ آسمان را از سر خویش آفرید. شهرستانی [۸۲] مانند همین مطلب را از گفته زردشتیان آورده است. بلندی و پهنای آسمان مساوی دانسته شده است. [۸۳] فرّوشیها یا فرّوهرها (ارواح مقدس درگذشتگان) اورمزد را در جهان «مینوی» (جهان غیرمادی و غیرمحسوس) یاری می‌دهند تا آسمانها را از هم جدا نگاه دارد و نگذارد که فرو افتند، اما در جهان «گیتی» چیزی آسمان را نگه نمی‌دارد [۸۴] و از این‌رو گاهی آن را با صفت «بی‌ستون» توصیف کرده‌اند. [۸۵]

← جنس

جنس آسمان را اصولاً از سنگ می‌دانستند و کلمه آسمان نیز از نظر اشتقاق همین معنی را دارد، اما شفافی و درخشندگی آسمان این تصور را ایجاد کرده بوده است که گاهی جنس آن را از فلزی درخشان بدانند و این فلز را نیز برخی از نویسندگان کتابهای پهلوی، فولاد یا آبگینه تعیین کرده‌اند. [۸۶] [۸۷] [۸۸] [۸۹] شکل آسمان گرد و سفید دانسته شده و به تخم‌مرغ تشبیه گردیده است. [۹۰] [۹۱] [۹۲]

← طبقات

قدیم‌ترین تصویری که ایرانیان از طبقات آسمان داشته‌اند، این بوده است که آن را متشکل از ۴ طبقه می‌دانسته‌اند که به ترتیب نزدیکی آنها به زمین عبارت بوده‌اند از طبقه ستارگان، طبقه ماه، طبقه خورشید و طبقه «روشنی بی‌پایان». [۹۳] تصور می‌کردند که بهشت در این طبقه اخیر است. گاهی به طبقه‌ای پایینتر از طبقه ستارگان به نام «طبقه ابر» قائل بوده‌اند. بعدها آسمان را ۶ طبقه و تحت تأثیر افکار بابلی، گاهی آن را ۷ طبقه به شمار آورده‌اند، بدین‌گونه که طبقه ستارگان را به ۲ طبقه ستارگان ثابت و اختلاطپذیر تقسیم کرده‌اند. [۹۴] [۹۵] [۹۶] طبقات ستارگان و ماه و خورشید را به گونه نمادین به ترتیب «اندیشه نیک»، «گفتار نیک» و «کردار نیک» که شعار دینی زردشتیان است، نیز نامیده‌اند. [۹۷] فاصله میان زمین تا طبقه ستارگان و فاصله هریک از طبقات از یکدیگر ۳۳۰۰۰ فرسنگ محسوب شده است. [۹۸]

در عقاید مانیان

بنابر اساطیر مانوی ۱۰ آسمان وجود دارد و آفرینش آنها به دست یکی از خدایان مانوی به نام «روان زنده» (یا مهر بَرَد یا «بادزنده») انجام گرفته است. وی آسمانها را از پوست دیوان جهان ظلمت (یا جهان ماده) که اسیر کرده و کشته بود، ساخته است. یکی از خدایان به نام «پیرایه تجلی» بر افلاک، خصوصاً بر ۳

فلک زیرین، نظارت دارد و نمی‌گذارد که آسمانها فرو افتند، و «پادشاه شرافت» که در فلک هفتم بر گردونه‌ای سوار است، این وظیفه را برعهده دارد که نگذارد دیوان در افلاک زبان رسانند. در پایان جهان «پیرایه تجلی» آسمانها را رها می‌کند تا برهم فرو افتند.

فهرست مآخذ

- (۱) آملی، نفائس‌الفنون، تهران، اسلامیة، ۱۳۷۹ق، ص ۲۷.
- (۲) عهدین بُکای، قرآن علم، ترجمه حسن حبیبی، تهران، حسینیه ارشاد.
- (۳) ابوریحان بیرونی، التفهیم، به کوشش جلال‌الدین همایی، تهران، بابک، ۱۳۶۳ش.
- (۴) ترجمه تفسیر طبری، به کوشش حبیب یغمایی، دانشگاه تهران، ۱۳۳۹-۱۳۴۳ش.
- (۵) محمد رشیدرضا، المنار فی تفسیرالقرآن، بیروت، دارالمعرفه للطباعة والنشر، ۱۳۹۲ق.
- (۶) جلال‌الدین سیوطی، الدرالمنثور، قم، کتابخانه مرعشی، ۱۴۰۴ق.
- (۷) محمدحسین طباطبایی، المیزان، بیروت، ۱۳۸۹ق.
- (۸) محمدبن جریر طبری، تفسیر، بیروت، دارالمعرفه للطباعة والنشر، ۱۴۰۳ق/۱۹۸۳م.
- (۹) محمدبن عمر فخر رازی، التفسیرالکبیر، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
- (۱۰) ابوالفضل میبیدی، کشف‌الاسرار، به کوشش علی‌اصغر حکمت، دانشگاه تهران، ۱۳۳۱-۱۳۳۹ش.
- (۱۱) بُنْدَه‌شَن، به کوشش انکلساریا، بمبئی، ۱۹۰۸.
- (۱۲) تقی‌زاده، حسن، مانی و دین او، تهران، ۱۳۲۵ش، ص ۴۱.
- (۱۳) دانشنامه ایران و اسلام؛ دینکرد، به کوشش مدن، بمبئی، ۱۹۱۱م؛
- (۱۴) روایات پهلوی، به کوشش دابار، بمبئی، ۱۹۱۳م.
- (۱۵) زادسُنُورَم، گزیده‌ها، به کوشش محمد بدران، قاهره، ۱۳۷۰ق/۱۹۵۰م.
- (۱۶) متون پهلوی به کوشش جاماسب آسانا، بمبئی، ۱۹۱۳م.
- (۱۷) مینوی خرد، ترجمه احمد تفضلی، بنیاد فرهنگ ایران، تهران، ۱۳۵۴ش.
- (۱۸) شهرستانی، الملل و النحل.

پانویس

۱. ↑ ابن‌منظور، لسان العرب، ذیل واژه
۲. ↑ مرکز فرهنگ و معارف قرآن؛ دایره المعارف قرآن کریم؛ قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۲؛ اول؛ ج ۱، ص ۲۲۸.
۳. ↑ مفردات راغب، ص ۲۴۲.
۴. ↑ قریشی، علی‌اکبر؛ قاموس القرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۶؛ هفتم، ج ۲، ص ۳۳۲.
۵. ↑ علامه مصطفوی، التحقیق، تهران، ارشاد اسلامی، ۱۳۷۵، اول، مجلد ۴ و ۵، ص ۲۱۹.
۶. ↑ انعام/سوره ۶، آیه ۲۵.
۷. ↑ فرقان/سوره ۲۵، آیه ۶۱.
۸. ↑ مؤمن/سوره ۴۰، آیه ۶۴.
۹. ↑ هود/سوره ۱۱، آیه ۷.
۱۰. ↑ لقمان /سوره ۳۱، آیه ۲۱.
۱۱. ↑ زمر/سوره ۳۹، آیه ۶۷.
۱۲. ↑ بقره/سوره ۲، آیه ۲۹.
۱۳. ↑ فصلت /سوره ۴۱، آیه ۱۲.
۱۴. ↑ طلاق/سوره ۶۵، آیه ۱۲.
۱۵. ↑ اعراف/سوره ۷، آیه ۵۴.
۱۶. ↑ یونس /سوره ۱۰، آیه ۲.
۱۷. ↑ هود/سوره ۱۱، آیه ۷.
۱۸. ↑ ذاریات/سوره ۵۱، آیه ۲۸.
۱۹. ↑ حدید/سوره ۵۷، آیه ۴.
۲۰. ↑ فصلت/سوره ۴۱، آیه ۱۲.
۲۱. ↑ رعد/سوره ۱۳، آیه ۲.
۲۲. ↑ لقمان/سوره ۳۱، آیه ۱۰.
۲۳. ↑ انبیاء/سوره ۲۱، آیه ۲۱.
۲۴. ↑ انبیاء/سوره ۲۱، آیه ۲۲.
۲۵. ↑ ق /سوره ۵۰، آیه ۶.
۲۶. ↑ رحمن/سوره ۵۵، آیه ۲۷.
۲۷. ↑ مرسلات/سوره ۷۷، آیه ۹.
۲۸. ↑ نبا/سوره ۷۸، آیه ۱۹.
۲۹. ↑ انفطار/سوره ۸۲، آیه ۱.
۳۰. ↑ انشعاق/سوره ۸۴، آیه ۱.
۳۱. ↑ تکویر/سوره ۸۱، آیه ۱۱.
۳۲. ↑ ملک/سوره ۶۷، آیه ۱۲.
۳۳. ↑ نوح/سوره ۷۱، آیه ۱۵.
۳۴. ↑ حجر/سوره ۱۵، آیه ۱۶.
۳۵. ↑ فرقان/سوره ۲۵، آیه ۶۱.
۳۶. ↑ بروج/سوره ۸۵، آیه ۱.
۳۷. ↑ فرقان/سوره ۲۵، آیه ۶۱.
۳۸. ↑ فصلت/سوره ۴۱، آیه ۱۲.
۳۹. ↑ ملک/سوره ۶۷، آیه ۵.
۴۰. ↑ صافات/سوره ۳۷، آیه ۶۰.
۴۱. ↑ فصلت/سوره ۴۱، آیه ۱۱.
۴۲. ↑ انبیاء/سوره ۲۱، آیه ۳۰.
۴۳. ↑ سجده/سوره ۳۲، آیه ۵.
۴۴. ↑ اعراف/سوره ۷، آیه ۴۰.
۴۵. ↑ محمدبن جریر طبری، تفسیر، ج ۷، ص ۱۴، بیروت، دارالمعرفه للطباعة و النشر، ۱۴۰۳ق/۱۹۸۳م.
۴۶. ↑ ابوالفضل میبیدی، کشف‌الاسرار، ج ۲، ص ۲۸۴، به کوشش علی‌اصغر حکمت، دانشگاه تهران، ۱۳۳۱-۱۳۳۹ش.
۴۷. ↑ ابوالفضل میبیدی، کشف‌الاسرار، ج ۸، ص ۵۱۱، به کوشش علی‌اصغر حکمت، دانشگاه تهران، ۱۳۳۱-۱۳۳۹ش.
۴۸. ↑ ترجمه تفسیر طبری، به کوشش حبیب یغمایی، ج ۶، ص ۱۵۱۴، دانشگاه تهران، ۱۳۳۹-۱۳۴۳ش.

۴۹. ↑ ترجمه تفسیر طبری، به کوشش حبیب یغمایی، ج ۷، ص ۱۷۴۸، دانشگاه تهران، ۱۳۳۹-۱۳۴۳ ش.
۵۰. ↑ ترجمه تفسیر طبری، به کوشش حبیب یغمایی، ج ۷، ص ۱۷۴۹، دانشگاه تهران، ۱۳۳۹-۱۳۴۳ ش.
۵۱. ↑ ابوالفضل میبیدی، کشف الاسرار، ج ۱، ص ۱۰۲، به کوشش علی‌اصغر حکمت، دانشگاه تهران، ۱۳۳۱-۱۳۳۹ ش.
۵۲. ↑ ابوالفضل میبیدی، کشف الاسرار، ج ۱۰، ص ۱۷۲، به کوشش علی‌اصغر حکمت، دانشگاه تهران، ۱۳۳۱-۱۳۳۹ ش.
۵۳. ↑ جلال‌الدین سیوطی، الدر المنثور، ج ۱، ص ۴۴، قم، کتابخانه مرعشی، ۱۴۰۴ ق.
۵۴. ↑ جلال‌الدین سیوطی، الدر المنثور، ج ۱، ص ۴۲، قم، کتابخانه مرعشی، ۱۴۰۴ ق.
۵۵. ↑ ابوالفضل میبیدی، کشف الاسرار، ج ۳، ص ۲۸۵، به کوشش علی‌اصغر حکمت، دانشگاه تهران، ۱۳۳۱-۱۳۳۹ ش.
۵۶. ↑ محمدین جریر طبری، تفسیر، ج ۲۶، ص ۱۱۱، بیروت، دارالمعرفه للطباعة والنشر، ۱۴۰۳ ق/۱۹۸۲ م.
۵۷. ↑ محمدین جریر طبری، تفسیر، ج ۲۶، ص ۱۱۲، بیروت، دارالمعرفه للطباعة والنشر، ۱۴۰۳ ق/۱۹۸۲ م.
۵۸. ↑ ترجمه تفسیر طبری، به کوشش حبیب یغمایی، ج ۱، ص ۳۲، دانشگاه تهران، ۱۳۳۹-۱۳۴۳ ش.
۵۹. ↑ ترجمه تفسیر طبری، به کوشش حبیب یغمایی، ج ۶، ص ۱۵۱۴، دانشگاه تهران، ۱۳۳۹-۱۳۴۳ ش.
۶۰. ↑ محمد رشیدرضا، المنار فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۲۴۷-۲۵۰، بیروت، دارالمعرفه للطباعة والنشر، ۱۳۹۲ ق.
۶۱. ↑ محمد رشیدرضا، المنار فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۴۴۴-۴۵۶، بیروت، دارالمعرفه للطباعة والنشر، ۱۳۹۲ ق.
۶۲. ↑ محمدحسین طباطبایی، المیزان، ج ۸، ص ۱۵۸، بیروت، ۱۳۸۹ ق.
۶۳. ↑ محمدحسین طباطبایی، المیزان، ج ۱۷، ص ۲۶۷-۲۷۰، بیروت، ۱۳۸۹ ق. 
۶۴. ↑ عهدین نکای، قرآن علم، ج ۱، ص ۱۹۱، ترجمه حسن حبیبی، تهران، حسینیه ارشاد.
۶۵. ↑ محمدین عمر فخر رازی، التفسیر الکبیر، ج ۲، ص ۱۵۶، بیروت، دار احیاء التراث العربی. 
۶۶. ↑ جلال‌الدین سیوطی، الدر المنثور، ج ۲، ص ۸۵، قم، کتابخانه مرعشی، ۱۴۰۴ ق.
۶۷. ↑ ابوریحان بیرونی، التفهیم، به کوشش جلال‌الدین همایی، تهران، بابک، ۱۳۶۲ ش.
۶۸. ↑ جواهر الکلام ج ۳۶، ص ۲۸۵. 
۶۹. ↑ جواهر الکلام ج ۷، ص ۳۴۸. 
۷۰. ↑ جواهر الکلام ج ۷، ص ۲۹. 
۷۱. ↑ جواهر الکلام ج ۱۱، ص ۲۸۱. 
۷۲. ↑ العروه الوثقی ج ۳، ص ۵۴. 
۷۳. ↑ العروه الوثقی ج ۱، ص ۴۶۳. 
۷۴. ↑ جواهر الکلام ج ۱۰، ص ۲۶۸. 
۷۵. ↑ کشف الغطاء ج ۲، ص ۴۹۷. 
۷۶. ↑ وسائل الشیعه ج ۷، ص ۴۶. 
۷۷. ↑ العروه الوثقی ج ۲، ص ۴۳۳. 
۷۸. ↑ جواهر الکلام ج ۳۶، ص ۲۶۵. 
۷۹. ↑ بُنْدَهَشْتَن، به کوشش انکلساریا، ج ۳۲ س ۲، بمبئی، ۱۹۰۸.
۸۰. ↑ روایات پهلوی، به کوشش دابار، ۱۲۸ بند ۴، بمبئی، ۱۹۱۳ م.
۸۱. ↑ روایات پهلوی، به کوشش دابار، ۱۲۸ بند ۲ به بعد، بمبئی، ۱۹۱۲ م.
۸۲. ↑ شهرستانی، الملل و النحل، ص ۶۰۳.
۸۳. ↑ روایات پهلوی، به کوشش دابار، ۱۲۸ بند ۴، بمبئی، ۱۹۱۳ م.
۸۴. ↑ روایات پهلوی، به کوشش دابار، ۱۲۸، بمبئی، ۱۹۱۳ م.
۸۵. ↑ زَادِشْتَرْمَر، گزیده‌ها، به کوشش محمد بدران، بند ۲۰، قاهره، ۱۳۷۰ ق/۱۹۵۰ م.
۸۶. ↑ بُنْدَهَشْتَن، به کوشش انکلساریا، ج ۱۸ س ۵، بمبئی، ۱۹۰۸.
۸۷. ↑ بُنْدَهَشْتَن، به کوشش انکلساریا، ج ۱۷۲ س ۲، بمبئی، ۱۹۰۸.
۸۸. ↑ روایات پهلوی، به کوشش دابار، ۱۲۸ بند ۴، بمبئی، ۱۹۱۳ م.
۸۹. ↑ مینوی خرد، ترجمه احمد تفضلی، پرسش ۸، بند ۷، بنیاد فرهنگ ایران، تهران، ۱۳۵۴ ش.
۹۰. ↑ بُنْدَهَشْتَن، به کوشش انکلساریا، ج ۱۱ س ۴، بمبئی، ۱۹۰۸.
۹۱. ↑ مینوی خرد، ترجمه احمد تفضلی، پرسش ۴۳، بند ۹، بنیاد فرهنگ ایران، تهران، ۱۳۵۴ ش.
۹۲. ↑ زَادِشْتَرْمَر، گزیده‌ها، به کوشش محمد بدران، بند ۲۰۹، قاهره، ۱۳۷۰ ق/۱۹۵۰ م.
۹۳. ↑ متون پهلوی به کوشش جاماسب آسانا، بمبئی، ۱۹۱۳ م.
۹۴. ↑ بُنْدَهَشْتَن، به کوشش انکلساریا، ج ۲۸ س ۱، بمبئی، ۱۹۰۸.
۹۵. ↑ بُنْدَهَشْتَن، به کوشش انکلساریا، ج ۳۲ س ۱۲-۲۳، بمبئی، ۱۹۰۸.
۹۶. ↑ بُنْدَهَشْتَن، به کوشش انکلساریا، ج ۳۲ س ۲، بمبئی، ۱۹۰۸.
۹۷. ↑ مینوی خرد، ترجمه احمد تفضلی، بنیاد فرهنگ ایران، پرسش ۱، بند ۱۴۵-۱۴۶، تهران، ۱۳۵۴ ش.
۹۸. ↑ روایات پهلوی، به کوشش دابار، ۱۲۹ بند ۷، بمبئی، ۱۹۱۳ م.

منبع

دانشنامه بزرگ اسلامی، مرکز دائره المعارف بزرگ اسلامی، برگرفته از مقاله «آسمان»، ج ۱، ص ۲۰۸. 

فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت، ج ۱، ص ۱۳۹-۱۴۰. 

سایت پژوهه 

رده‌های این صفحه : آسمان